

خلاصه آقا مشغول خواندن روزنامه ثریا بودند و اهل مجلس همه برای ثریا مضمون می گفتند. الحق با آن که بالنسبه به اوایل بهتر شده خیلی چیز پوچی است و عجب این که نویسنده آن ملتفت نمی شود که آدمی که دست نویسندگی هیچ ندارد، از امور دنیا هم بی اطلاع است، زبان خارج هم نمی داند فقط زبان عربی بازاری و تجاری را به واسطه چندی اقامت مصر یاد گرفته نمی تواند روزنامه بنویسد. از روزنامه های مصری ترجمه و نقل می کند. در صورتی که خودش نمی فهمد نوشتجاتی مضحک است. اقلأ مثل وقتی که در مصر بود همدستی نمی گیرد که فی الجمله روپوشی از افتضاح حالش بکند. باری وضع حالیه مملکت ما اقتضای همین قسم روزنامه می کند. روزنامه خوب در این سرزمین نخود میان شله زرد است...

\*\*\*\*\*

سبحان الله چه مردمانی بودند و چه خیالها در سر داشتند، و چه پیش آمد و چه کسانی جای آنها را گرفتند. من گفتم این طبیعی است. حاجی میرزا حسن خان که آن حال داشت تربیت یافته دوره امیر بود که او خود مربای قائم مقام بود. رجالی که حالا هستند تربیت یافته دوره آخر سلطنت ناصرالدین شاه می باشند. اگر وضع مملکت ایران به همین منوال باشد، طبقه بعد که تربیت یافتگان این دوره اند طوری خواهند بود که ما آرزوی رجال حالیه را بکنیم. ... مگر اینکه غلبه تمدن فرنگی تلافی این مسئله را بکند. چیزی که هست بنای عالم بر ارتقاء است. من نمی دانم در باره ما چرا بنا بر تنزل شده است...

\*\*\*\*\*

.... سبحان الله چه بگویم که شقاوت و نفسانیت و دنائت و رذالت انسان به چه درجه می رسد. عمده تعجب من این است که این شاه<sup>۱</sup> با وجود متشکل بودن به شکل انسان چرا این طور از عقل و تمیز و تصرف و خودداری و سایر صفات انسانیت بی بهره است. چیزها از او می دانم که شخص متحیر و مبهوت می شود. دماغ این مرد ابدأ قوه کار ندارد. آنچه به او بگویند قبول می کند. تصدیق و تکذیب او از روی حرف دیگران است و آنچه به ذهن او راسخ کردند دیگر بیرون نمی رود.

---

<sup>۱</sup> مظفرالدین شاه

\*\*\*\*\*

کسانی که اطراف او را گرفته اند با آن که دارای حالات سابق الذکر هستند در نظر او اعقل و اعدل و اکمل ناس می باشند. ضعف حال و عقل او این است که از رعد و برق می ترسد و هر وقت هوا منقلب می شود باید سید بحرینی او را زیر عباى خود گرفته ورد بخواند و رعد و برق را از او دور کند و اگر سید بحرینی که او را آقای بزرگ می خواند خانه نباشد اضطراب زیادی برای او حاصل می شود و لامحاله یکی دو نفر سید باید اطراف او را بگیرند و بلا را از او دور کنند. این قدر فکر و شعور ندارد که سایر مردم چه می کنند او هم بکند. صحبت مجلس او تماما لغویات و شهوانیات است بطورهای رکیک و شنیع. کسانی که در خلوت او می روند اطمینان ندارند که پاکدامن بیرون آیند....

\*\*\*\*\*

.... چه می دانم که در دستگاه این پادشاه هر کس تقرب دارد از این قبیل راه هاست. یا باید از بابت جمال منظور شود یا قوادی کند یا مسخرگی یا همه این کارها را با هم و آنها که اجزای خاص شاه هستند و در صمیم دل او جا دارند در حضور او باید باهم مفاعله کنند یا به همدیگر بشاشند یا دسته هاون و امثال آن به مقعد هم بکنند یا لواط اجماعی به اشکال مختلف بکنند....

برگرفته از « یادداشت های روزانه محمدعلی فروغی - ۲۶ شوال ۱۳۲۱ تا ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۲ قمری » - به کوشش ایرج افشار- نشرعلمی ۱۳۹۲.